

آداب جنگ در شاهنامه



153051 ۱۴۰۵/۰۲/۲۶ - ۱۴:۱۷

شاهنامه راوی یک الگوی رفتاری، سیاسی و فرهنگی است که همه جنبه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی، به خصوص نوع فرمانروایی در آن وجود دارد و به مسائل جنگ می‌پردازد.

ایران آنلاین:

محمدجعفر یاحقی؛ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی / همه جنگ‌های تاریخ ایران به روایت شاهنامه، بیشتر مسالمت‌آمیز و تدافعی بوده‌اند و تمام آنها مبتنی بر مذاکره و ملاحظه هستند. به هیچ وجه جنگ‌های خونین و نبردهای منتهی به قتل‌عام در آن وجود ندارد و بیشتر جنگ‌های روایت شده در شاهنامه با مذاکره پیش می‌روند. یکی از نمونه‌های بارز جنگ‌های حساب شده و فرمانروایانه در شاهنامه، نبرد «دوازده رخ» است. این جنگ یکی از تعیین کننده‌ترین نبردها میان ایران و توران تلقی می‌شود و در عین حال، مبتنی بر یک سلسله مذاکرات بسیار دقیق و سنجیده است. از طرف ایران، گودرز فرمانروای کل سپاه است و از طرف توران هم پیران این وظیفه را عهده‌دار می‌شود. پیران یکی از شخصیت‌های مورد احترام شاهنامه بوده، آن هم با وجودی که به اردوگاه دشمن وابسته است اما در عین حال شخصیتی با تدبیر و با سیاست دارد و پهلوانان و فرهنگ ایرانی با او به‌عنوان یک انسان میانجی و مصلح برخورد می‌کنند.

در ابتدا ایران و توران با هم به مذاکره می‌پردازند تا حد امکان از پهلوانان و سربازان خود محافظت کنند، بنابراین فقط زورآزمایی میان آنها صورت می‌گیرد و هر طرف امتیاز بیشتری کسب کند، برنده جنگ خواهد بود. تصمیم می‌گیرند که ۱۲ پهلوان از هر دو طرف مبارزه انتخاب کنند، آنها دو به دو با هم بجنگند تا در نهایت پیروزی سهم یکی از آنها شود. جنگ هم به صورت دوستانه برگزار می‌شود و فقط با یکدیگر کشتی می‌گیرند. هر پهلوانی که امتیاز بیشتری کسب کند، به تعبیر امروز برنده خواهد شد و دیگری به نفع او باید کنار برود. این نبرد همانند یک مسابقه فوتبال می‌ماند که در رده‌های مختلف انجام می‌شود، حذف صورت می‌گیرد و برنده‌ها به مرحله بالاتر می‌روند. افرادی از هر دو طرف برای این نبرد انتخاب می‌شوند، دو سپاه نیز در دو طرف، ناظر به نبرد آنها هستند. بنا به بسیاری از تحقیقات و مطالعات، احتمالاً صحنه این نبرد در خراسان در نزدیکی گناباد - روستایی در نزدیکی زبید- اتفاق افتاده است؛ روستایی که از چند سال گذشته در حال بازسازی آن هستند و در تلاش هستیم که این صحنه را زنده کنیم. به این ترتیب سپاه ناظر بر دو طرف نظارت می‌کنند و پهلوانان تک به تک و در موقع روز وارد میدان نبرد می‌شوند. جنگ‌های شاهنامه جنگ‌های شبانه نیستند و هیچ وقت در آن شبیخون جایی ندارد. به طور کلی، موقع استراحت جنگ ممنوع بوده است و فقط در یک ساعت خاصی دو سپاه در برابر هم قرار می‌گیرند، آن هم با تعیین وقت قبلی و با مذاکره از پیش صورت گرفته. آن دو نفر که قرار است با هم نبرد کنند در جلوی سپاه قرار می‌گیرند و هر کدام

که پیروز شود، طبیعتاً نفر مقابل شکست می‌خورد.

خوشبختانه در بسیاری از نبردها سرداران و سربازان ایرانی پیروز می‌شوند. تا جایی این داستان ادامه پیدا می‌کند که همه پهلوانان در برابر هم قرار می‌گیرند. در نهایت خود گودرز و پیران باید با یکدیگر بجنگند. در این موقعیت بیشتر از گودرز، پیران است که سعی می‌کند تا صلح برقرار شود و کار جنگ فیصله و خاتمه پیدا کند. گودرز در طول جنگ‌های پیشین ایران و توران حدود ۶۰ یا ۷۰ نفر از وابستگان خود را از دست داده است و به همین خاطر کینه دارد و صلح نمی‌خواهد. پیران اما بر سر مصالحه است و می‌خواهد این جنگ به صلح ختم شود. در نهایت گودرز نمی‌پذیرد و آن دو با هم جنگ می‌کنند و بالاخره در این صحنه نیز گودرز پیروز میدان می‌شود.

هر دو پهلوان پیش از مبارزه به پیروان خود سفارش می‌کنند که هر کدام از ما کشته شدیم، طرف دیگر حق ندارد به سربازان دیگری تعدی یا آنها را غارت کند، هیچ تعرضی هم نباید صورت بگیرد. مسأله با کشته شدن یکی از پهلوانان تمام می‌شود و همه چیز سرانجام به صلح می‌رسد. این کاری است که در همه نبردهای شاهنامه اتفاق می‌افتد. هیچ وقت مردم عادی، شهرها و... درگیر جنگ نمی‌شوند. پهلوانان هستند و با نهایت شهامت، قدرت بدنی و قدرت نظامی همدیگر را خنثی می‌کنند. همه افراد هم قبول دارند که نباید قانون جنگی و قوانین صلح زیر پا گذاشته شود، این از خصلت‌های بارز شاهنامه است.

بجاست که یک کتاب در باب مسأله جنگ‌های شاهنامه و ریزه‌کاری‌های آن نوشته شود. در جنگ‌های شاهنامه، اول قاصد می‌آید؛ او از امنیت جانی کامل برخوردار است و هیچ‌کس حق تعرض به او را ندارد. این قاصد برای مذاکره می‌آید تا دو طرف با هم قراردادی ببندند، جای مناسب را انتخاب کنند و هیچ وقت آب به روی همدیگر نمی‌بندند و مطلقاً شبیخون در جنگ‌های شاهنامه وجود ندارد. در واقع جنگ جوانمردانه است و می‌توان گفت اصلاً جنگ نیست، همانند یک مسابقه است. یک مسابقه پهلوانی که با شرافت تمام انجام می‌شود و همیشه سرفرازی برای ایرانیان بوده و هست. فردوسی همیشه می‌گوید: «مرا آشتی بهتر ز جنگ». این شعار شاهنامه است که آشتی و صلح را از جنگ بهتر می‌داند.

انتهای پیام/